

بحران حاکم بر ایران و راه خروج از آن

سخن روز شماره: ۶۵ (۱۹ شهریور ۱۳۹۷)

اخیراً در گفت و شنفت های متعددی این نظر مطرح شد که حزب توده ایران دارای برنامه‌ای برای مرحله ی ملی- دمکراتیک انقلاب ایران است و نیازی به تجدید نظر در آن و یا به روز شدن آن نیست. باید برای تحقق آن همه ی توده‌ای ها در کنار حزب طبقه کارگر برزمند.

این برنامه که در صفحه ۷۷ به بعد در کتاب ششمین کنگره حزب با عنوان: پیرامون وظایف حکومت دموکراتیک- ملی، انتشار یافته است در بندهای بسیاری از شفافیت و برابری مضمونی لازم برخوردار است. آن‌ها را می‌توان به طور کامل مورد تأیید قرار داد. وظیفه ی این سطور پرداختن به بند: ج- پیشنهادهای حزب توده ایران برای برنامه اقتصادی مردمی، است که ضرورت به روز شدن آن به چشم می خورد.

در گفت و شنفت ها اغلب این پرسش مطرح می شود، که چه پیشنهادهای جایگزین برای پیشنهادهای طرح شده در برنامه حزب وجود دارد؟ گفته می‌شود که باید پیشنهادهای را به طور مشخص مطرح ساخت و از سخنان بیهوده پرهیز نمود. این پرسش و خواست به جا و شایسته است. به آن پردازیم.

پیشنهاد مشخص برای برنامه اقتصاد ملی بر پایه اقتصاد سیاسی ملی- دمکراتیک باید داری دو ویژگی باشد:

اول- این پیشنهاد باید ضرورت بریدن از اقتصاد سیاسی دیکته شده ی امپریالیستی و خروج از نظام اقتصادی جهانی شده ی سرمایه مالی آن را مستدل سازد.

- به این منظور باید پیشنهاد مشخص نشان دهد که بورژوازی و خرده بورژوازی میهن دوست قادر نیست به خواست خود با باقی ماندن در سیستم نظام سرمایه داری جهانی برای حفظ استقلال اقتصادی کشور دست یابد؛

- به این منظور باید پیشنهاد مشخص نشان دهد که منافع طبقه کارگر

و بورژوازی ملی در این مرحله و به منظور نجات از وابستگی
نواستعماری به نظام اقتصادی جهانی شده ی امپریالیستی، از وحدت
برخوردار هستند؛

- به این منظور باید پیشنهاد مشخص نشان دهد که برای خروج از نظام
سرمایه داری جهانی نیاز به جهت گیری سوسیالیستی برای اقتصاد ملی-
دمکراتیک وجود دارد؛

- به این منظور باید پیشنهاد مشخص ضرورت برپایی ایجاد یک جبهه
متحد خلق را مستدل سازد که ساختار حاکمیتی- دولتیِ دمکراتیک-
مردمی و ملی- ضد امپریالیستی را تشکیل می‌دهد.

- پیشنهاد مشخص نشان دهد که بدون چنین
ساختاری اجرای برنامه اقتصاد ملی با سمت گیری سوسیالیستی ممکن
نیست. به سخنی دیگر نشان دهد که موازین دمکراسی صوری پارلمانی
برای دستیابی به این هدف کافی نیست. بدین ترتیب باید مکانیسم های
لازم برای کنترل عمومی- اجتماعی کارکرد حاکمیت- دولت ایجاد شود؛

- از این رو باید پیشنهاد مشخص ضرورت حضور فعال و مؤثر هژمونی
طبقه کارگر را در چنین جبهه ی متحدی مستدل سازد؛

- به این منظور باید پیشنهاد مشخص ضرورت گذار از دیکتاتوری را
مستدل سازد به منظور ایجاد شرایط برقراری هژمونی جبهه متحد خلق؛

- به این منظور باید پیشنهاد مشخص ضرورت برپایی جبهه ضد
دیکتاتوری را از چپ، به سخنی دیگر با تجهیز و سازماندهی زحمتکشان
و طبقه کارگر مستدل سازد؛

- به این منظور باید پیشنهاد مشخص منافع طبقه کارگر را به عنوان
محک برای تشخیص منافع کل جامعه مستدل سازد؛

- به این منظور باید پیشنهاد مشخص نشان دهد که منافع طبقه کارگر
برای پایان بخشیدن به برنامه نئولیبرال خصوصی سازی و آزاد سازی
اقتصادی که اکنون به شعار و خواست اعتصاب های در جریان در ایران
بدل شده است، در انطباق است با منافع کل جامعه ایرانی. ازجمله با
منافع بورژوازی ملی و میهن دوست و لایه های خرده بورژوازی که در
خطر سقوط اقتصادی- اجتماعی قرار دارند.

با نشان دادن این نکات و تفهیم ضرورت پایبندی به مواضع پیش گفته، هویت طبقاتی حزب توده ایران جایگاه تاریخی خود را می یابد. رسالت تاریخی حزب طبقه کارگر برای متحدان آن روشن و شفاف می گردد. صحت درستی رسالت تاریخی حزب طبقه کارگر برای طرح این مواضع، مرز میان متحدان را روشن و صریح می سازد.

با چنین به روز کردن برنامه برای دولت ملی و دمکراتیک در برنامه حزب، آن وقت مضمون توسعه ی «تولید ارزش افزا» در برنامه حزب توده ایران دقیق و شفاف و برپایه نکته های فوق شکافته شده و برای توده ها قابل درک می گردد.

قابل درک می گردد که چرا توسعه ی کمی و کیفی تولید داخلی در خدمت رشد نسبی عدالت اجتماعی قرار دارد. پیشنهادهای به جایی که در برنامه کنونی حزب در این ارتباط مطرح هستند، جملگی در نور چنین شفاف سازی و تدقیق و صراحت مضمون اقتصاد با سمت گیری سوسیالیستی، در جایگاه تاریخی ای قرار می گیرد که رسالت حزب توده ایران است و در عین حال اهرم تجهیز و سازماندهی طبقه کارگر ایران نیز خواهد بود.

با چنین به روز نمودن برنامه اقتصادی ششمین کنگره ی حزب توده ایران به این پرسش درباره ی راه خروج از بحران اقتصادی- اجتماعی حاکم پاسخی در خور و تاریخی داده می شود.

- این پاسخ اما به این معنا نیست که تحقق بخشیدن به آن به طور خودکار عملی خواهد شد و تحقق خواهد یافت!

- به این معنا نیست که لایه های میهن دوست بورژوازی و خرده بورژوازی آن را بلافاصله خواهند پذیرفت و برای آن هورا فریاد خواهند زد.

- به این معنا نیست که سدها در برابر برپایی جبهه ضد دیکتاتوری و متحد خلق بلافاصله بر طرف خواهند شد. چنین انتظار و برداشتی پنداربافی ذهن گرایانه است. هنوز باید نبردهای بسیاری را در سنگرهای بی شماری با موفقیت به سرانجام و به ثمر رساند تا پیروزی نهایی ممکن گردد. گرامشی آن را «نبرد در سنگر» می نامد. طرح

منافع طبقه ی کارگر، آن طور که مارکس برجسته می سازد، شرط این پیروزی است.

ولی با چنین به روز شدن برنامه اقتصادی ششمین کنگره حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران به دو اهرم ضروری برای پیشبرد مبارزات دمکراتیک و سوسیالیستی طبقه کارگر دست می یابد.

این دو اهرم عبارتند از:

یک- هویت انقلابی حزب طبقه کارگر قابل شناخت می گردد، که به عنوان تنها نیرو برای تحولات بنیادین اقتصادی- اجتماعی می رزمد؛

دیگری- حزب توده ایران اهرم ضروری نظری- تئوریک را در اختیار خواهد داشت که به آن برای دست یابی به پیروزی در تفهیم مواضع طبقه کارگر نیازمند است.

از این طریق می تواند حزب طبقه کارگر ایران در سنگرهای مختلف فرهنگی- مدنی در نبرد طبقاتی جاری برتری برآورد اندیشه و برنامه خود را برای توده های زحمتکش و همچنین برای متحدان نزدیک و دور طبقه کارگر ایران قابل شناخت و درک سازد. از این طریق شرایط برای تغییر تناسب قوا را برای اجرای رسالت تاریخی خود ایجاد می گردد.

با چنین تغییر در برنامه ی حزب طبقه کارگر ایران، دو سوی جدایی ناپذیر در برنامه حداقل کارگری حزب توده ایران به وحدت می رسند. سوی وظیفه ی دمکراتیک- اتحادی آن و سوی سوسیالیستی آن.

با چنین تغییر در برنامه ی حزب طبقه کارگر ایران، مبارزه ی دمکراتیک حزب از آنچنان پیگیری برخوردار خواهد شد که شرایط رشد درک فرهنگی- مدنی ضروری برای سمت گیری سوسیالیستی را برای توده های میلیونی مردم قابل شناخت و درک می سازد.